

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

موضوع:

بررسی نقش نخبگان در توسعه و نوسازی با تأکید بر تجربه مالزی

استاد راهنما:

آقای دکتر سیداحمد موثقی

استاد مشاور:

خانم دکتر الهه کولایی

۱۳۸۷ / ۱۷ / ۲۵

استاد داور:

دکتر سیدحسین سیفزاده

نگارش:

میثم مهرمتین

زمستان ۱۳۸۶

۱۹۵۷۲۲





جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

شماره _____
تاریخ _____
پیوست _____

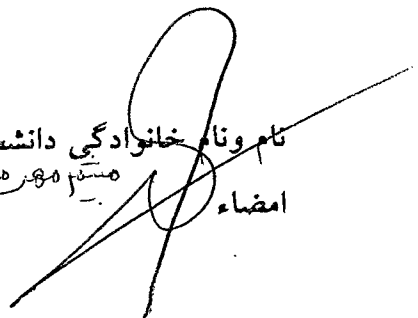
اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

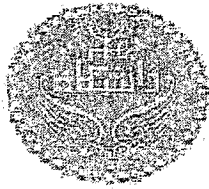
تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب ^{مستزاده مهر} متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو
مستزاده مهر
امضاء



آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸
فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی علوم سیاسی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : میثم مهرمتین

گرایش :

در رشته : علوم سیاسی

با عنوان : بررسی نقش نخبگان در توسعه و نو سازی با تاکید بر تجربه مالزی

را در تاریخ : ۱۳۸۶/۱۲/۱۹

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده

با نمره نهایی :

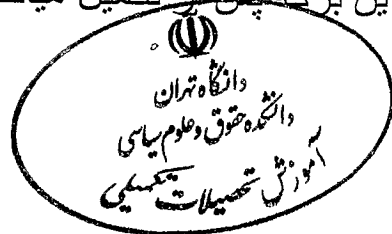
ارزیابی نمود .

عالی

با درجه

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر سید احمد موثقی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر الهه کولایی	استاد	"	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر حسین سیف زاده	استاد	"	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر حمید احمدی	استاد	"	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .



پیشکش به:

پدرم، سرتیپ یکم شهید احد ترشیچی، ایران دوست و دلاور مردی که قلبش
برای حراست از کیان این آب و خاک، از شمالی‌ترین نقطه دریای خزر تا
جنوبی‌ترین جزایر خلیج همیشه فارس، می‌تپید، و تقدیم به مادر عزیزم، که در
همه رنج‌ها و مصائب بزرگ ولی شیرین انجام این وظیفه خطیر پدرم، سهیم و
شریک بود.

و با نکوداشت نام رهبران نوساز و توسعه‌گرا؛

ژنرال پارک چونگ‌هی، رهبر انقلاب صنعتی کره جنوبی؛

ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر توسعه‌خواه مالزی؛

لی کوآن یو، معمار سنگاپور نوین.

و با درود بیکران به؛

معرفت، مردانگی و از خود گذشتگی، علی راغبیان

و

معلم فرزانه، مهدی توسلیان

این جانب قدر دانم؛

از حسن نظر و عنایتی که استادان گرامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سالها نسبت به این جانب مبذول داشته‌اند.

علم آموزی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی و در محضر این بزرگواران بزرگترین سعادت‌ی بود که در طول زندگی می‌توانست نصیب من شود. ضمن اینکه از استاد راهنما و بزرگوارم، جناب آقای دکتر احمد موثقی، تشکر می‌کنم که غیر از مقام بزرگ استادی برای دانشجویان، دغدغه دائمی و نگرانی همیشگی‌اش پیشرفت و توسعه ایران می‌باشد.

هم‌چنین قدردان زحمات و محبت‌های استاد مشاور، سرکار خانم دکتر الهه کولایی

نیز می‌باشم.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه	۱
طرح مسئله:	۱
سوال اصلی و فرضیه؛	۵
هدف پژوهش	۶
محدوده زمانی رساله:	۷
روش تحقیق:	۷
پیشینه تحقیق:	۸
رهیافت (روش) تحقیق:	۹
تعریف مفاهیم:	۱۰
الف- نخبگان توسعه خواه:	۱۰
ب- توسعه و نوسازی:	۱۲
ج- دولت توسعه خواه:	۱۴

فصل اول:

نخبگان، توسعه و دولت توسعه خواه

نخبگان و توسعه	۱۸
الف- مفهوم کلاسیک نخبگان:	۱۸
ب- مفهوم و تئوری های جدید نخبگان:	۲۰
ج- سازگاری بین دمکراسی و اندیشه ی نخبگی در نظریات جدید:	۲۱
نخبگان توسعه خواه	۲۸
مفهوم توسعه:	۳۰
۱-۱- رشد اقتصادی	۳۴
۱-۲- دنیوی شدن:	۳۶
۱-۳- نوسازی فرهنگی:	۳۷
۱-۴- انفکاک ساختاری؛	۳۸
تعریف، تفسیر و تبیین مفهوم نخبگان توسعه گرا	۴۱

فصل دوم:

نخبگان و توسعه در دوران استقلال و وحدت مالزی: (۱۹۵۷-۱۹۸۱)

۶۱ مقدمه
۶۲ عبدالرحمن ، پدر استقلال مالزی:
۷۰ عبدالرزاق؛ پدر وحدت مالزی
۸۲ نتیجه‌گیری:

فصل سوم:

آراء و اندیشه‌های ماهاتیر محمد دربارهٔ نوسازی و توسعه

۸۸ مالزی در دوره ماهاتیرمحمد
۹۱ ویژگیهای برجسته و ممتاز نخست وزیر
۹۸ اندیشه‌های مدرن و نوین پدر مالزی جدید
۹۸ الف: دوران‌اندیشی و تبحر در مسائل اقتصادی - سیاسی
۱۱۳ ب: اندیشمند مدرن اسلامی و توسعه‌خواه؛ «سخنگوی آسیای نوین»
۱۲۰ پی‌نوشت‌ها:

فصل چهارم:

تجربه نوسازی و توسعه مالزی در دوره ماهاتیر محمد (۱۹۸۱-۲۰۰۳)

۱۲۲ تجربه نوسازی و توسعه در مالزی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰
۱۲۳ سیاست نوین اقتصادی
۱۳۴ تجربه توسعه و نوسازی در مالزی دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴؛ «سیاست نوین توسعه»
۱۴۱ توسعهٔ شتابان و بحران مالی در مالزی
۱۴۶ نهادهای مالی جهانی شده و توسعهٔ اقتصادی در مالزی
۱۵۵ دمکراسی در مالزی
۱۶۳ توسعهٔ مالزی در عصر جهانی شدن اطلاعات
۱۶۸ توسعهٔ مالزی بعد از ماهاتیر محمد
۱۷۷ پی‌نوشت‌ها:
۱۸۰ نتیجه‌گیری
۱۹۱ کتاب‌شناسی

«من می‌خواهم تأکید مجددی کنم که عامل اصلی در انقلاب شانزدهم ماه می، بوجود آوردن یک انقلاب صنعتی در کره بود، چون هدف اصلی انقلاب دستیابی به یک تجدد حیات ملی بود، انقلاب به همان اندازه اصلاحات سیاسی- اجتماعی و فرهنگی را مجسم می‌کرد. اما مهمترین مسئله مورد توجه من، انقلاب اقتصادی بود»
«ژنرال پارک چونگ‌هی» نقل از: Lim, Hyun-Chin (1985), p.73

مقدمه

طرح مسئله:

با توجه به اینکه موضوع پایان‌نامه‌ای را که پیش روی داریم، از مفاهیم و روش‌های گوناگونی در شناخت موضوع، برای رسیدن به مقصود نهایی تحقیق سود می‌برد، محققانی که در این چارچوب تحقیقی وارد می‌شوند باید با توجه به گستردگی و تنوع تحقیق، الزاما از رشته‌های مختلف علوم انسانی استفاده کنند، کما اینکه هر تحقیق و بررسی جامع و کامل به ناچار از علوم گوناگون تطبیقی، و رشته‌های مختلف علمی در بررسی خود سود خواهد برد. درست است که موضوع پایان‌نامه‌ی مورد بحث، در حیطه‌ی بررسی علم سیاست می‌گنجد؛ و این دست از موضوعات و بررسی‌ها، بیشتر و به طور معمول در گروه‌های سیاسی دانشکده‌های علوم سیاسی تصویب و تبیین می‌شود. اما با نگاهی عمیق‌تر می‌توان دریافت که محقق بدون استفاده از علومی مثل علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، «مردم‌شناسی، رفتارشناسی» تاریخ «تاریخ تمدن و برخورد شرق و غرب، تاریخ استعمار»، بررسی‌های تطبیقی، جغرافیا و سیاست‌های جغرافیای، حتی روانشناسی، علم روابط بین‌الملل و غیره، نمی‌تواند کاری از پیش ببرد؛ و به کمک و همیاری علومی از این دست نیازمند است، و در فقدان آنها تحقیق ناکامل و نارس از آب در خواهد آمد.

همانطور هم که از نام تحقیق برمی‌آید، موضوع مورد مطالعه به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: مفاهیم نخبگان، توسعه و نوسازی و تجربه‌ی کشور مالزی. اما «توسعه و نوسازی» از مهم‌ترین بخش‌های این تحقیق می‌باشند، که برای درک بهتر آنها در کلیت موضوع، ابتدا باید به تعریف و تبیین جزئیات دقیق هر یک از آنها پرداخت و نکات مبهم و مورد سوال آنها را روشن ساخت، و سپس تک تک آنها را در کلیت موضوع پیاده ساخت؛ و نیاز تطبیقی جزئیات مورد بحث را برای رسیدن به یک تحقیق جامع برطرف ساخت.

این رساله درصدد است ابتدا، به تبیین و تفسیر مفهوم نخبگان یا برگزیدگان از دیدگاه کلاسیک بپردازد، و نظریات محققان و دانشمندان گوناگون را در مورد آن جویا شود، و در ادامه به درک جدید و بدیع آن موضوع، از نگاه سیاسی و اجتماعی روز، و موضوع مورد هدف نائل شود، نخبگان سیاسی که به طور حتم در یاری رساندن به مفهوم اجتماعی و سیاسی مورد انتظار نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند. دقیقا در بطن موضوع، ما سعی بر بررسی ابعاد سیاسی

لفظ و واژه‌ی نخبگان و برگزیدگی داریم. و این علم سیاست است که وظیفه دارد که بیش از هر چیز زوایای پنهان، مورد سوال و شک برانگیز این مفهوم را رمزگشایی و روشن کند. با تاکید بر این که علم سیاست سزاوار و شایسته‌ی این بررسی است، ولی در این راه از همراهی و مدد رسانی علوم اجتماعی و مدنی غافل نخواهد ماند. و اهمیت موضوع در این است که در فقدان جامعه‌ی مدنی منظم یا خود سامان در کشورهای در حال توسعه، این نخبگان یا ممتازین ملی و دلسوز و آگاه هستند، که می‌توانند چرخهای توسعه‌ی اقتصادی و انسانی را به گردش درآورده، آن را به اصطلاح روغن‌کاری کرده و به آن شکل و اندازه و فرم معقولانه و واقع‌گرایانه جدیدی ببخشند، و در سایه‌ی دولت آگاه و برنامه‌ریز و آینده‌نگر به پیشرفت اقتصادی و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی و تعالی انسانی همت گمارند و این امر محال است، و جزء محالات دست‌نیافتنی است، مگر اینکه سیاست و در معنای مطلق، سیاست به دست خبیره‌ترین و آگاه‌ترین افراد سیاستمدار اجرا شود و طوری نظم و دموکراسی در دولت توسعه‌گرا با هم تلفیق شوند که بهترین نتایج ممکن و کمترین ضررها صورت بگیرد و این امور ممکن نمی‌گردد مگر با وجود نخبگان توسعه‌گرای آگاهی که به پیچ و خم علم سیاست و علم حکومت‌داری آگاهی تام و علمی دارند، تا بتوانند با پشتوانه‌ی منطقی و علمی خود در یک جهان واقع‌گرا به توسعه و آبادانی سیاسی و اقتصادی کشور خود جامعه‌ی عمل پیوشانند.

مفهوم توسعه و نوسازی که در باطن خود مفاهیم کلی چون جدال با سنت، نوسازی، دموکراسی، نظم، جامعه مدنی، رشد و شکوفایی اقتصادی، توسعه انسانی و غیره را دربردارد، فقط و فقط باید دست در دست نخبگانی به محک زورآزمایی و دست و پنجه نرم کردن، به مزایده گذاشته شود که صلاحیت و لیاقت آن را دارند. در غیراینصورت اگر سیاستمداران ظرفیت و آگاهی و تجربه لازم در برخورد با این واژه‌های سترگ و عظیم را نداشته باشند چه مصیبت‌هایی که بر سر مردم آن جامعه می‌آید، که باید بر آن گریست، و تجربه‌ی چند کشور در حال توسعه که بدون برنامه‌ریزی و شناخت نخبگان آن قدم در این راه پرمشقت و دشوار گذاشته‌اند و ناموفق بوده‌اند، خود گویای این مطلب است. اصطلاحی در عرف جامعه رایج است که پشت هر انسان موفق یک انسان فداکار و دلسوز و پرتجربه وجود دارد. همین امر را می‌توان برای مثال به موضوع مورد بحث ما استحال داد، که غیرممکن است در تجربه کشورهای در حال توسعه- ای که به توسعه رسیده‌اند، مثل مالزی، سنگاپور، کره، تایوان، بوتسوانا، چین، برزیل و غیره «با درجه‌های متفاوت از رشد و توسعه» دولت کارآمد و توسعه‌خواهی که توسط نخبگان کارآمد و برنامه‌ریز هدایت می‌شود، وجود نداشته باشند، اگر یک انسان موفق به خاطر شرایط مساعد و هماهنگ و خوب روحی روانی و بهره‌مندی از یک خانواده‌ی خوب و مستعد و تلاش‌گری که محیط آسایش و آرامش را برای اعضای خانواده فراهم می‌کند به موفقیت و پیشرفت می‌رسد و تعالی خود را مدیون آنها می‌داند، در حیطه‌ی بحث ما، این همان دولت توسعه‌گرای برنامه‌ریز است که با نگاه

به آینده‌ی دولت و ملت خود و با توجه به چشم‌انداز جهان ناعادلانه‌ی پیش رو، که واقع‌گرایی و رئالیسم در آن حاکم است، به کنش با دیگر بازیگران محیط بین‌المللی می‌پردازد، توسط نخبگان آگاه و دلسوز هدایت می‌شود، و تکیه آن به نخبگان سیاستمداری است که هم چون ناخدای یک کشتی پرتجربه، طوفانها را پیش‌بینی و قدرت مقابله با آن را دارند و در امواج پرتلاطم دریا می‌توانند تورهای بهره‌وری و بهره‌مندی و رفاه را برای مردمان خود پهن کنند و حداکثر سود و استفاده را با تعقل و دوراندیشی در ید اختیار خود گیرند. توسعه و نوسازی همانند اسب سرکشی می‌ماند، که وحشی و لجام گسیخته است، و تنها توسط یک رام‌کننده‌ی قهار و پرتجربه، به یک اسب مطیع و برآزنده می‌تواند تبدیل شود؛ در غیراینصورت از آسیب‌ها و خطرات این موجود ناآرام و سرکش نمی‌توان در امان بود. کماینکه اثر کبودی و لنگ شدن پای بعضی از رام‌کننده‌های ناوارد و آسیب دیده که از نوسازی و توسعه ضربات سختی، به خاطر خامی و ناپختگی‌شان خورده‌اند خودگویای مطلب است. دولت‌ها و جوامع معلولی که در دست و پنجه نرم کردن با غول واژه‌های توسعه و نوسازی چوب بی‌تجربگی و نادانی خود را خورده‌اند، برای مردمانشان به غیر از حسرت و کمبود چیزی دیگر باقی نگذاشته‌اند.

مالزی از آن دست کشورهایی است که از آزمون مشکل و طاقت‌فرسای توسعه و نوسازی با همت مردان بلندنظر و آینده‌نگر و زنان تلاش‌گر و مستعد خود؛ سربلند بیرون آمده است و توانسته با وجود سه اقلیت نژادی متفاوت و گوناگون، مالایایی، چینی و هندی به توسعه‌ای مطلوب و درخور شان یک کشور «اسلامی» برسد، به طوری که بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ای را که در خواب زمستانی غفلت به سر می‌برند، در حسرت گذاشته و آنان را تبدیل به تماشاگرانی ساخته، که انگشت به دهان مانده‌اند. و از این بالاتر، مالزی با همت و تکیه بر مردان بلندنظر خود توانسته نه تنها الگوی کشورهای اسلامی در توسعه بشود، بلکه الگوی موفق برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه باشد.

توسعه و نوسازی نهادها و ساختارهای سیاسی و اقتصادی یک جامعه می‌تواند در پس خود، یاری‌رس و هم‌نوای یک دولت متعهد به دموکراسی و جامعه مدنی باشد، و ذکر این نکته ضروری است که وحدت اقلیتها، استقلال از استعمار انگلستان، نوسازی نهادهای سنتی و عقب‌افتاده و توسعه سیاسی و نوسازی اقتصادی و پیشرفت‌های انسانی، و غیره، در مالزی محقق نمی‌شد، مگر با وجود و پیگیری رهبران استقلال، رهبران وحدت و یکپارچگی و رهبران نوسازی و توسعه، که در برهه‌های مختلف و گوناگون زمانی و در شرایط گوناگون و دشوار می‌دانستند که چه می‌خواهند، برای چه می‌خواهند، چه خواهند خواست، و چگونه باید خواست. این افراد همان دولتمردان آگاه و نخبگان ملی و نوساز در مالزی بودند که توانستند با اثبات و تحقق اولویت نظم بر دموکراسی را به مذاق مردم مالزی و سپس کشورهای در حال توسعه، به عنوان مولفه‌ی مهم و پیش شرط پیشرفت بچشانند، و شهد شیرین دولت پاسخگو و کارآمد را در کام مردم خود جاری و

سازی سازند و صحت این نکته را تایید کنند که این سیاست توسعه ملی و هدفمند و عقلانی و در معنای مطلق کلمه، سیاست است، که به کمک نخبگانی شایسته می‌شتابد تا آنها با مددگیری از آن به برنامه‌ریزی بپردازند و برای رفاه و سعادت ملت خود گامهای بلند بدارند و بتوانند در پناه توسعه و نوسازی برای مردم خود امنیت، شادابی، پرستیژ، عشق و شکوفایی انسانی و اقتصادی به بار بیاورند و نشان دهند که می‌توان به بهانه تراشی‌ها و کم‌کاری‌ها و معلولیت‌ها غلبه کرد.

توسعه باید به عنوان هدف و آرمانی بزرگ و والا تلقی شود، به طوری که الزامات و کارویژه‌های آن در تمامی نهادهای جامعه درونی شود. یعنی به طرزیکه هم مردم یک جامعه با آغوش باز پذیرای آن باشند، و هم اینکه نسبت به آن تعهد در خود احساس کنند. احساس پذیرش و تعهد نسبت به مفهوم توسعه زمانی در جامعه رسوخ پیدا می‌کند و جای خود را باز می‌کند، که با تلاش و آینده‌نگری و برنامه‌ریزی صحیح سیاستمداران دانشمند، مردم افق‌های آینده‌ی کشورشان را روشن و شفاف ببینند. فقط و فقط در این صورت است که مردم یک جامعه سختی‌ها و مشکلات را به جان خریده، و در برابر زایش‌های جدید می‌توانند طاقت بیاورند، و خود را با الزامات جدید و معقولی که توسعه و نوسازی با خود به ارمغان می‌آورند، هماهنگ کنند. تجربه نوسازی مالزی نشان داد که نوسازی و توسعه فقط در غرب یا کشورهای مشخصی مثل ژاپن و یا تعداد معدودی از کشورها رخ نمی‌دهد، و یا اینکه توسعه فقط به آنها اختصاص نمی‌یابد، و فقط آنها نبودند که توانسته‌اند با واژه سترگ توسعه زورآزمایی کنند، و آن را در ید اختیار خود قرار دهند، بلکه تجربه‌ی کشورهای دیگری از نوع مالزی نشان‌دهنده‌ی این امر است که نخبگان آگاه و دانا به مسائل داخلی و بین‌المللی، نه تنها می‌توانند برنامه‌ریز امر توسعه باشند، بلکه می‌توانند آن را به خوبی هدایت کنند، و مردم جامعه را هم، همسو با برنامه‌های عقلانی و حساب شده‌ی خود بکنند.

اما نکته مهم و جالب در این جا است که کشوری که تجربه‌ی استقلالش از استعمار انگلستان به حدود نیم قرن می‌رسد، چگونه و چطور توانسته با مشکلات فراوان پیش رو و در پس وجود سه اقلیتی که از نظر نژاد و زبان متفاوت هستند، را در یک کشور به وحدتی استثنایی و چشمگیر برساند، و حقوق آنها را به خوبی رعایت کند و مسائل دشوار و پیچیده‌ی دولت-ملت‌سازی و تکوین جامعه مدنی را به خوبی سامان دهد و یا به طور مسالمت-آمیزی به رتق و فتق امور گوناگون و مشکل‌ساز بپردازد. و از طرفی دیگر، قدمهای استواری در راه توسعه و نوسازی بگذارد و جزء ۲۰ کشور اول صادرکننده‌ی جهان محسوب شود، و افقی را در سال ۲۰۲۰ برای خود نمایان سازد که آن را به عنوان کشوری به اصطلاح جهان اولی و کاملاً توسعه یافته از هر نظر به جهانیان بشناساند. پس چرا در تجربه‌ی کشور عزیزمان ایران، که از تاریخ تمدن و استقلال کهن و فرهنگ چند هزارساله برخوردار است، و به رغم وجود سیاستمداران قدیم و جدید ملی‌گرا، و دلسوز و هم چنین وجود زیرساختهای مهم برای توسعه «منابع غنی انسانی و منابع خدادادی» هنوز به توسعه‌ی مطلوب و درخور شان ایران دست نیافته‌ایم؟ چرا

باید کشوری چون مالزی که از هر نظر از ما پایین‌تر است با وجود سه اقلیت نژادی کاملاً متفاوت، با فرهنگهای خاص خود، و سه گویش زبانی متفاوت و علی‌رغم مستعمره بودن در گذشته و فقر نسبی بعضی از منابع و معادن طبیعی و استعدادهای استراتژیک دیگر، توانسته بازیگر پر پرستیژ و مطرح در عرصه‌ی اقتصادی و سیاسی بین‌المللی شود، و موانع و مشکلات توسعه و رشد اقتصادی و و تکوین و شکل‌گیری جامعه مدنی را پله به پله و با موفقیت پشت سر بگذارد و به اهداف عالی‌ی پیش روی خود امیدوار و به تحقق افق‌های روشن پیش رویش مطمئن باشد؟

ما پاسخ خود به این پرسش‌ها را در وجود نخبگان آگاه و دلسوز و کارآمد و مدبر و دانای به امور داخلی و بین‌المللی که با هدف مشخص قدم در توسعه و نوسازی کشور خود گذاشته‌اند، جستجو خواهیم کرد، و پاسخ می‌دهیم، که رمز موفقیت و اعتلای نهادها و ترتیبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شکوفا و منظم و ترتیب یافته در مالزی، در سیاستمداران دانشمند و سیاستگذاران فهیم و برنامه‌ریز آن کشور نهفته است.

سوال اصلی و فرضیه؛

با مقدمه و کلیاتی که در معرفی موضوع، پیش رو داشتیم، با یک سوال مهم و اصلی روبرو می‌شویم، که نخبگان چگونه و به چه صورت می‌توانند در توسعه و نوسازی و شکوفایی یک کشور در حال توسعه نقش داشته باشند، و به بیانی دقیق‌تر تجربه‌ی نوسازی و توسعه در مالزی تا چه حد تحت تاثیر نقش نخبگان نوساز در این کشور بوده است؟ در این تحقیق با توجه به تجربه‌ی مالزی در نوسازی و توسعه نهادها و ساختارهای سیاسی و اقتصادی و نقش رهبرانی چون تنکو عبدالرحمن، عبدالرزاق به عنوان پدران استقلال و وحدت مالزی و مخصوصاً ماهاتیر محمد پدر و معمار مالزی مدرن و جدیدی که امروز به عنوان یک کشور پیشرفته و توسعه یافته به دنیا معرفی شده است، فرضیه‌ی اصلی در این رساله بر وجود یک رابطه‌ی علی و مستقیم بین نخبگان توسعه‌خواه و تحقق توسعه تاکید دارد. از ویژگی‌های نخبگان توسعه‌خواه درجه‌ی بالای انسجام و هماهنگی، کارآیی، قاطعیت، اقتدار و فسادناپذیری و تعهدشان به توسعه و آبادانی و سازندگی ملی و داخلی می‌باشد.

پس نخبگان توسعه‌خواه نقش بنیادینی در توسعه دارا می‌باشند، که این مهم در تجربه کشور مالزی، به عنوان کشوری که از حالت در حال توسعه بودن به توسعه یافتگی نسبی و برتر هدایت شده است، به خوبی آشکار و مشهود است.

متغیر مستقل ما در این تحقیق، با توجه به موضوع، نخبگان آگاه یا به نوعی همان نخبگان توسعه گراند و متغیر وابسته توسعه می‌باشد. در این تحقیق خواهیم کوشید نشان دهیم که، وجود نخبگان متعهد به توسعه در کشورهای در حال توسعه سبب می‌شود که فرآیند نوسازی سریع‌تر، همه‌جانبه‌تر و معقول‌تر به تحقق توسعه ختم گردد.

هدف پژوهش

با توجه به تجربه و تلاشهای ایرانیان در دهه‌های منتهی به انقلاب مشروطه و پس از آن، با آگاهی از توسعه در غرب و یا اروپا، می‌توان دریافت که ایرانیان بسیار زودتر از خیلی از کشورها و حتی خیلی قبل‌تر از کشور مالزی، به توسعه نیافتگی خود، یا عقب‌ماندگی کشورشان آگاهی یافته بودند. آنها به عقب‌ماندگی خود در برابر پیشرفت‌های تکنولوژیک و انسانی غرب پی برده بودند و سعیشان براین بود که با الگوبرداری و تقلید از غرب و گاهی ریشه‌یابی مشکلات و کنکاش در عقب‌ماندگی کشور و دلائل آن، کشور و ملتشان را به حداقلی از استانداردهای اصلی زندگی مرفه و پیشرفته غربی برسانند، و به اصطلاح عظمت و بزرگی ایران را در پس پیشرفت و توسعه، اعاده‌کنند.

با این حال، اگر چه در دهه‌های گذشته شاهد رشد نسبی بودیم، اما توسعه‌ی قوی و انسانی و معقول یا کمتر به چشم می‌خورد، یا آن توسعه حقیقی و پایدار کمتر خودنمایی می‌کند. سنجیده‌تر اینکه در دوران پهلوی به برکت ثروتهای نفتی و غیره شاهد رشد اقتصادی در کشور بودیم اما از توسعه معقول و متعادل و واقعی، فاصله زیادی داشتیم. و این امر حاکی از الزام نخبگان و دولتمردان ایران نسبت به تغییر نگاه و اصلاح مسیر توسعه‌ای کشور می‌باشد. اما جالب اینجاست که هدف مالزی، در توسعه، با اینکه کشوری استعمارزده بود و تجربه‌ی پارلمانتاریسم انگلیسی را بعد از استقلال پیش روی خود - داشت، با این وجود سرلوحه‌ی برنامه‌های خود در امر توسعه را، الگوبرداری معقول و متعادل از غرب، و مهم‌تر از آن، پروژه‌ی نگاه به شرق و در معنای شفاف‌تر، الگوبرداری از دولت توسعه‌گرای ژاپن و نخبگان متعهد به توسعه در آن کشور، قرارداد داده بود. مالزی توانسته با تکیه بر نخبگان کارآمد خود، با تلفیق الگوی ژاپنی با رسومات ملی مالزیایی، چنان شگفت‌آور، سه اقلیت نژادی را به وحدت برساند و به چنان توسعه‌ای، چه از نظر انسانی و چه از نظر اقتصادی برسد، که شاید شبیه‌ترین کشور از نظر ساختار و نهادها در امر توسعه و نوسازی به ژاپن در قاره‌ی آسیا باشد.

مالزی بلندپروازی خود را با پروژه‌ی نگاه به شرق «ژاپن» آغاز کرد و این می‌تواند الگوی نوسازی ایران هم باشد. ایران هم می‌تواند از تجربه‌ی نوسازی مالزی و ژاپن به نحو احسن سود ببرد و فقط غرب را الگوی نوسازی و توسعه‌ی خود نداند، و پی به این نکته ببرد که این دو کشور در عین حفظ رسم و رسومات ملی و مذهبی به مدرنیزاسیون شبیه غرب دست یافته‌اند و توانسته‌اند به بهترین و معقول‌ترین و کارآمدترین ترکیب، در سنت و

مدرنیته برسند، یعنی غرب زده در علم شدند، سکولار یا عرفی در علوم جدید و روز شدند، اما فلسفه‌ی خود را حفظ کردند و حتی صورت معقول‌تری نیز به آن بخشیدند.

و این درسی برای کشورمان است، که با برنامه‌ریزی و وجود نخبگان متعهد می‌توان هم سنت‌های اصیل را حفظ کرد و هم مدرن شد، همانطوری که مالزی توانست خود را به عنوان الگوی کشورهای اسلامی در توسعه و نوسازی بشناساند، و ملت و کشور خود را در مجامع توسعه‌گرا به عنوان نمونه‌ی عالی کارآمدی و تعهد به شکوفایی و رفاه و توسعه نشان دهد.

نوزایی به تاخیر افتاده کشورهای مثل ایران در پناه نخبگان معقول، غیراحساسی، راستین، راستگو و صادق امکان‌پذیر است، یعنی از همان دست نخبگانی که کشور مالزی در پناه آنها توانسته است نه تنها نام اسلام را در محیط بین‌الملل زنده نگه دارد، بلکه نشان دهد یک کشور اسلامی می‌تواند الگوی توسعه و رفاه و خوشبختی دیگر کشورهای اسلامی و غیر آن باشد و چه افتخاری از این بالاتر برای کشوری که نام آخرین فرستاده‌ی خداوند در گلدسته‌های مساجد مدرن آن طنین‌انداز می‌شود و آن کشور الگوی توسعه‌ای برای کشورهای غیرمسلمان شده است.

محدوده زمانی رساله:

برای شناسایی تاریخ مالزی نوین، باید ابتدا به تاریخ استعماری آن توسط کشور انگلستان و اهمیت مالزی به عنوان مستعمره برای انگلستان و دوره‌ی استعماری این کشور، نظری افکند و سپس باید مالزی پس از استقلال را در نظر گرفت، مالزی که با سه نخست‌وزیر مالایایی عمده‌ی خود یعنی عبدالرحمن، عبدالرزاق، پدران استقلال و وحدت مالزی، سپس ماهاتیر محمد، معمار و پدر مالزی مدرن شناخته می‌شود، مراحل مختلف زمانی این تحقیق نیز براساس آن شکل می‌گیرد.

روش تحقیق:

این بررسی گذشته از آن که به منابع جدید و تازه انتشار کتابخانه‌ای دسترسی دارد و از کتابخانه‌های سفارت مالزی و ژاپن و دیگر مآخذ کتابخانه‌های معتبر و مهم سود می‌برد، لیکن از مصاحبه با نخبگان ایرانی و مالایایی متخصص حول موضوع مورد نظر نیز غافل نیست. با این حال، روش تحقیق در این رساله توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع لاتین و فارسی کتابخانه‌ای می‌باشد.

پیشینه تحقیق:

درباره‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی و تجربه‌ی توسعه در این منطقه و از جمله درباره‌ی کشور مالزی و شخص آقای دکتر ماهاتیرمحمد برخی منابع و ترجمه‌های فارسی وجود دارد، ولی این رساله می‌کوشد به طور تئوریک و مستقل ضمن طرح تئوری‌های مربوط به نخبگان و دسته‌بندی آنها و مشخصا نخبگان توسعه‌خواه و نقش و تاثیر آنها در امر توسعه، به بررسی نقش رهبران مالزی و مخصوصا شخص ماهاتیرمحمد و خصوصیات و ویژگی‌های آنها بپردازد و از منظر ادبیات توسعه، سیاستها و جهت‌گیری‌های آنها را مورد توجه قرار دهد تا بتوان به نحو کاربردی از آثار و نتایج تجربه‌ی مالزی برای کشور عزیزمان ایران سود برد.

در مورد مالزی متاسفانه کتابهای مهم و جدید و انتقادی در ایران وجود ندارد و کتابهای چاپ شده در زمینه مسائل مالزی به بعضی کلی‌گویی‌ها در مورد این کشور اکتفا کرده‌اند و به معرفی گذرا و غیرعلمی این کشور پرداخته‌اند، تنها کتاب جدیدی فارسی در این زمینه کتابی است که دکتر محمد کاظم توکلی درباره‌ی ماهاتیرمحمد و شخصیت نوگرایی وی منتشر کرده است، که حاوی مطالب سودمندی در رابطه با کشور مالزی است و از حیث این که به مطالب جدیدی دسترسی داشته، کتاب کامل و بدیعی می‌باشد. این کتاب از این نظر غنی است که نگارنده‌ی آن تحصیلات دوره‌ی دکتری خود در رشته‌ی جامعه‌شناسی را در کشور مالزی به انجام رسانده و اطلاعات مفیدی درباره‌ی سیاست و جامعه‌ی این کشور کسب کرده است. در متن این رساله، که هم اکنون پیش رو داریم محقق از کتابهای لاتین غافل نبوده و به منابع جدیدی دسترسی داشته و از آنها نهایت استفاده را برده است، ضمن اینکه مقالات اینترنتی انگلیسی و منابع لاتین در پرتو فقدان منابع فارسی در مورد سیاست و اقتصادی مالزی، بزرگترین هدایت‌گر و کمک‌دهنده به چارچوب تئوریک این پایان‌نامه می‌باشد. چون این رساله از دریچه‌ی تئوری‌های دولت‌های توسعه‌گرا و نخبگان متعهد به توسعه و توسعه‌خواه به سیاست و اقتصاد مالزی و پیشرفت آن می‌نگرد، در نوع خود حداقل در منابع فارسی بدیع می‌باشد. محقق سعی کرده در رابطه با وظیفه‌ی علمی که در این باب بر عهده‌اش گذاشته شده، حداکثر سعی و اهتمام خود را در این راستا انجام دهد. بعضی از مهم‌ترین کتابهای منتشره‌ی لاتین در مورد موضوع رساله‌ی حاضر کتابهای زیرند:

- 1- Developmentalism and Dependency in Southeast Asia; the Case of the Automotive Industry, Jason p. Abbott London Routledge Curzon 2003.
- 2- Ahmad Idriss. Malaysia's new Economic Policy. Petaling Jaya. Pelanduk Publication. 1990
- 3- Cho. George the Malaysian Economy: Spatial Perspectives. London: Routledge. 1990
- 4- Ismail Salleh. "Economic Reform: Malasia's Experience". in Dynamic Development and Economic Reform in South East Asia, Institute of Strategic and International Studies (Malaysia). 1993

- 5- Mahathir Mohammad. Globalization and the New Realities. Kuala Lumpur. Pelanduk Publications. 2002
- 6- The World Bank, World Development Report. (2005, 2006)
- 7- Mahathir Mohammad. Malays Forget Easily. Kuala Lumpur. Pelanduk Publications. (2001)

رهیافت (روش) تحقیق:

رهیافت این تحقیق، از دولتهای متعهد به توسعه، یا توسعه‌خواهی سخن می‌راند که توسط نخبگان توسعه‌گرای ملی و دلسوزی هدایت می‌شود که آنها را قادر و توانا ساخته تا به تولید و حرکت پایدار معطوف به توسعه پردازند. دولت توسعه‌گرای مورد نظر ما دولتی است که توانایی حکومت کردن موثر و منظم بر تمامی طبقات و شئون جامعه را برای نیل به اهداف توسعه و نوسازی داراست، و همچنین با رعایت حقوق شهروندی و احترام به نهادها و ساختارهای جامعه مدنی و دموکراسی، نه تنها به هدایت و نظم بخشیدن به آنها حول یک محور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موافق با توسعه همت می‌گمارد، بلکه به همراهی، گسترش و مشارکت با بازار و منطق سرمایه‌داری مولد می‌پردازد و به دموکراسی به عنوان یکی از اهداف توسعه و نوسازی و پیشرفت می‌نگرد. دولت توسعه‌گرای مورد بحث؛ همیشه در فرآیند نوسازی و توسعه از سوی نخبگان متعهد و دلسوزی هدایت شده که دارای روحیه و طرز تفکری بلند پروازانه، معقولانه، منسجم و به نوعی سمج در پیگیری اهداف توسعه و مهم‌تر از این‌ها، غیرفاسد، بوده‌اند. دولت توسعه‌گرای مورد نظر این رساله دولت متعهد به توسعه‌ای است که یک شکل انتقالی دولت مدرن است که در جوامع در حال توسعه جدید از قرن ۱۹، به خصوص در تجربه‌ی ژاپن، در حالت اولیه خود تاکنون پدیدار شده است. دولت مزبور دولتی است که نخبگان سیاسی و بوروکراتیکش عموماً استقلال نسبی از نیروهای اجتماعی-سیاسی در جامعه به دست آورده‌اند و از این استقلال به منظور ایجاد یک برنامه رشد اقتصادی سریع همراه با سخت‌گیری و سماجت و حتی بی‌رحمی کم یا زیاد در پی‌گیری اهداف توسعه‌ای پایدار استفاده کرده‌اند. یک دولت توسعه‌گرا تحت عناوین گوناگونی مثل، رفع تهدیدها، کسب مشروعیت از طریق ایجاد پیشرفت پایدار در سعادت مادی و اجتماعی شهروندان، رقابت با دیگران، با عنایت به نیاز فوری به ایجاد رشد اقتصادی یا صنعتی شدن به منظور پیشرفت، یا حفاظت یا ترفیع پرستیژ بین‌المللی‌اش، خواه به لحاظ اقتصادی یا نظامی و یا هر دو، قدم در راه توسعه و نوسازی می‌گذارد.

اکثریت قریب به اتفاق دولتهای توسعه‌گرا در آسیای جنوب شرقی و حتی آمریکای لاتین و دیگر مناطق، با انطباق معقولانه خود با سیستم سرمایه‌داری جدید و منطق آن، ضمن به حداکثر رسانی مقدرات خود و به حداقل رسانی محذوراتشان در نظام بین‌المللی جهانی شده، از عزم و توانائی‌شان برای یک بسیج اجتماعی معقول و در خور تحسین

برای نیل به اهداف توسعه‌ای سود برده‌اند. از مهم‌ترین ویژگی‌های دولتهای از این دست، همانند مالزی، سنگاپور، کره جنوبی، بوتسوانا، ژاپن و...، عزم و توانایی آنها برای تحریک، برانگیختن، هدایت نمودن، شکل دادن و همکاری کردن با بخش خصوصی داخلی و نظم و ترتیب دادن یا نظارت بر معامله‌های قابل قبول دو طرفه با شرکتهای خارجی است. این دولتها خاصیت پویایی در روند تحول دارند و ایستا نمی‌باشند و به نوعی اشکال انتقالی دولت مدرن‌اند. دولتهای توسعه‌گرا حرکت مولد و پایدارشان برای توسعه را با تولدشان شروع، با اراده‌ی نخبگان‌شان تثبیت و با دگر‌دیشیشان به سوی تحکیم ساختارها و نهادهای توسعه محور و عقلانی شده به پیش می‌برند.

دولتهای توسعه‌گرا همانند مورد مالزی، با یاری و همراهی نخبگان‌شان بر حول محور توسعه و اجماع ملی بر سر آن، ضمن اینکه گرایشهای عقلانی و توانایی‌های سنت‌های مارکسی و وبری دولتهای مدرن را دارا هستند، توانایی بسیج اجتماعی معقولانه‌تر، و مثمر‌تری از نوع نظامهای سوسیال دموکراسی و سوسیالیسم نوع چین و شوروی سابق را دارا می‌باشند.

این نوع از دولتها فراتر از نظریات نوسازی و وابستگی، در عین اینکه شاخص‌های دولتهای مدرن مارکسی و وبری را دارا هستند، نوع جدیدی از یک سیستم سیاسی هستند که در عین استفاده از سودمندی‌های سنت‌های سیاسی بالا، به ایده‌پردازی، خلاقیت، تبیین و تعریف و تکمیل نوعی جدید از دولتهای مدرن و انتقالی امروزی، همانند مالزی، کمک شایانی کرده‌اند.

تعریف مفاهیم:

در اینجا به تعریف مفاهیم مهم و اصلی حول محور موضوع پایان‌نامه می‌پردازیم.

الف- نخبگان توسعه‌خواه:

اصطلاح نخبگان ممکن است در معانی و بیانهای مختلفی کاربرد داشته باشد، اما در معنای کلی خود، در هر متن و مباحثه‌ای، این واژه به معنی برگزیدگان، ممتازین، بهترین‌ها، لایق‌ترین‌ها و سرآمدان به کار می‌رود، که ممکن است این سرآمدان و بهترین در علوم مختلف علمی از قبیل طب، جغرافیا، سیاست، نجوم، ادبیات و... باشند. اما معنایی که مورد نظر ماست به طور خاصی بار و معنایی سیاسی دارد و با ادبیات سیاسی توسعه به خصوص سروکار دارد. واژه‌ی نخبگان در ادبیات سیاسی توسعه، بیش از هر چیز محقق را به سوی نخبگان یا برگزیدگان یا سرآمدان سیاسی راهنمایی می‌کند، که واژه‌ی توسعه‌خواه را به همراه دارند. به طور کلی نخبگان توسعه‌گرا یا

توسعه‌خواه یا بهتر بگوییم «سیاستمداران، دانشمندان سیاستمدار، حکومتگران یا دولتمردان دانشمند» متعهد به توسعه با افعال مثبت و ثمربخش و برنامه‌ریزی‌های حساب شده‌ی خود در یک دولت توسعه‌گرای متعهد به پیشرفت و نوسازی شناخته می‌شوند و جلوه می‌یابند، نخبگانی که جایگاه آنها در یک دولت متعهد به توسعه شناخته شده است و از اهداف و برنامه‌های خود تعاریف خاص و معقولی دارند. باید به یاد داشته باشیم که در اثر گذشت زمان و تکوین مطالعات توسعه و نیاز جوامع در حال گذار به نخبگان کارآمد و توسعه‌خواه، اذهان محققان توسعه و نوسازی، با ورود واژه‌ی نخبگان دیگر به سوی معنای کلاسیک و یا منفی آن هدایت نمی‌شود. در معنای کلاسیک و میانی واژه‌ی نخبگان، دانشجویان و محققان و حتی مردم یک جامعه در برداشت از این مفهوم، ناخودآگاه، اذهان خود را به سوی برگزیدگان حاکمی سوق می‌دادند، که یا دیکتاتور بودند، یا دولتهای استبدادی را اداره می‌کردند، یا در حوزه‌ی حکومتی خود حاکمیت مطلق‌العنانی داشتند، به صورتی که در حکومت‌های قرون وسطایی اروپا یا حکومت‌های ملوک‌الطوایفی و سلطانی شرق دیده می‌شد، یا در معنای کمی معاصرترش در حکومت‌های نخبه‌گرای فاشیستی مثل، ایتالیا، ژاپن، اسپانیا و آلمان به چشم می‌خورد، یا در پدرسالاری‌های جدید در کشورهای شرقی، عرض اندام می‌کرد. اما نه تنها باید از این الفاظ و متون گذر کرد، بلکه باید در قرن بیست و یکم خاطر نشان ساخت که، واژه کاربردی و تعدیل و اصلاح شده‌ی نخبگان با وجود جمع کثیر حکومت‌های دموکراتیک و سازمان‌های مهم بین‌المللی طرفدار حقوق بشر و آرمان‌های فراگیر انسانی، دیگر آن معنای منفی را که یادآور دیکتاتوری، اختناق، و یا یکه‌تازی‌های بعضی از حاکمان و سرآمدان، چه در ممالک شرق و چه در ممالک غرب، بود نمی‌باشد و دیگر آن بار معنایی ناکارآمد و منفی از آن برداشت نمی‌شود.

با وجود جوان بودن ادبیات توسعه، در معنای تقریباً جدیدش که بعد از جنگ دوم بین‌الملل رنگ و بوی جهانی‌تر به خود گرفت، واژه و اصطلاح نخبگان در مباحث توسعه یادآور ممتازین و دانشمندان حکومتی بود که هم و غم خود را صرف این موضوع می‌کردند که در یک دولت متعهد به توسعه، شکاف و عقب‌ماندگی خود با غرب پیشرفته را به حداقل برسانند، و از الگوهای نوسازی آنها درس بگیرند. گر چه تقلید و کپی‌برداری محض از غرب در ابتدای کار در کشورهای در حال توسعه بسیار نتایج ناامیدکننده‌ای داشت و نیاز به حفظ سنت‌ها و تلفیقی بودن توسعه و نوسازی در مراحل بعدی احساس می‌شد، اما این نخبگان در معنای سیاسی و در معنی توسعه‌خواه بودند که درک این واژه را برای محققان آسان کردند، یعنی با تعهد خود به وجود یک دولت برنامه‌ریز معقول و عقلانی و الزام داشتن به رشد و سپس توسعه اقتصادی و ملزم شدن به اینکه در پس توسعه اقتصادی یاهمدوش

توسعه‌ی اقتصادی، جامعه مدنی، و نظم و توسعه انسانی، را در جوامع افلیج خود احیاء و اعاده کنند و بتوانند توسعه را تا حد امکان همدوش با نظم و تکوین پله به پله جامعه مدنی به کار ببرند و به اجرا درآورند.

نخبگان توسعه‌خواه یا متعهد به توسعه از نیمه دوم قرن بیستم به بعد اثرات و یادگارهای چشم‌گیر و چشم‌نوازی در پیشرفت و شکوفایی اقتصادی و تکوین جامعه مدنی، با تعهد به پیشرفت از خود نشان دادند، که از میان آنها به شکوفایی و رشد چشم‌گیر اقتصادها و جوامع توسعه یافته‌ی ژاپن، مالزی، کره، سنگاپور، تایوان، بوتسوانا و... در پس اراده و عزم ملی و قاطع نخبگان می‌توان اشاره داشت. نخبگان در این معنا، در دولتهای توسعه‌خواه نه تنها در نهادینه‌سازی و نهادمند کردن برنامه‌های توسعه در درون کشورهای خود نقش داشته‌اند و آن را در جامعه خود درونی کرده‌اند، بلکه با برنامه‌ریزی و تبحر و عقلانیتی خاص، آنها در حرفه‌ی خود به نوسازی و بازسازی نهادهای سنتی و ناکارآمد جامعه خود همت گمارده‌اند، و در باز شدن اذهان و دیدگان مردم خود، نسبت به جامعه جهانی و ظرفیت‌سازی‌های مولد، آنها نقش ممتاز و قابل توجهی داشته‌اند. بدون شک، برنامه‌های نوسازی و توسعه غرب و ژاپن، الگوی مناسب برای قانونمندی‌سازی و توسعه اقتصادی کشورهای جنوب به حساب می‌آید و رهنمودها و راهکارهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مفید به حال کشورهای جهان سوم خواهد بود، به شرطی که نخبگان متعهد، سالم، صادق، ملی، پرکار، معقول و برنامه‌ریز و متعهد به توسعه در این کشورها بتوانند، نیازهای بومی و ملی را طوری با هنجارهای بین‌المللی تلفیق کنند، که بهترین نتایج به بارآورده شود، یعنی رفاه مردمشان به طور متناوب زیاد شود و قدرت بازیگری آنها در عرصه بین‌المللی روز به روز افزایش یابد. بدون شک نوسازی و توسعه و پیشرفت مالزی بدون وجود ماهاتیر محمد و دیگر رهبران نوساز مالزی، سنگاپور بدون وجود لی‌کو آن یوکره جنوبی بدون وجود ژنرال پارک، و بسیاری از موارد دیگر، را نمی‌توان متصور شد.

ب- توسعه و نوسازی:

توسعه مفهومی است که به ویژه پس از جنگ جهانی دوم و ظهور ملل تازه استقلال یافته و مسائل آنان رواج یافت. هری ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا در نطق ۲۰ ژانویه ۱۹۴۱ خود از حل مسائل «مناطق توسعه نیافته» سخن گفت و پس از آن به تدریج بحث از توسعه و توسعه‌نیافتگی با پشتوانه عظیم نظری از قرن ۱۹، در خصوص رشد، تکامل، ترقی، که قبلاً به آن اشاره شد، همراه با نوسازی در ادبیات علوم اجتماعی شیوع یافت. یکی از